



دولت گزارش عملکرد بدهد



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

«ما روی طلا خوابیده‌ایم اما گرسنه‌ایم. مقصر ما مدیران، مسئولان، سیاستمداران و قانونگذاران هستیم، مقصر امریکا نیست» این بخشی از تازه‌ترین اظهارات رئیس قوه مجریه است. با بخش نخست این سخنان که به درستی بار اصلی مسئولیت وضعیت موجود را بر دوش مدیران و مسئولان داخلی می‌گذارد، نمی‌توان مخالفتی داشت، اما بخش دوم آن، یعنی نادیده‌گرفتن کامل نقش تحریم‌ها و عوامل خارجی، محل تأمل است. نمی‌توان انکار کرد که بخش مهمی از فشارهای اقتصادی حاصل تصمیم‌ها و عملکردهای داخلی‌است، اما همزمان نمی‌توان نقش تحریم‌ها و فشارهای بیرونی را به کلی نادیده گرفت. گرچه این نقش، هرگز آن گونه که برخی مدیران برای توجیه ناکارآمدی‌های خود بزرگنمایی می‌کنند، تعیین‌کننده و غالب نیست.

کشور ما، با یک‌درد از جمعیت جهان، بیش از ۷۰درصد از منابع معدنی جهان را همچون نفت، گاز، طلا، مس، آهن و بسیاری مواد معدنی دیگر در اختیار دارد و به گفته رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی «ایران با ۳/۳۷تریلیون دلار ذخایر منابع طبیعی و معدنی، در جایگاه پنجم جهان قرار دارد. تاکنون تنها ۲۹ میلیارد دلار از این ذخایر کشف شده که تنها معادل ۲درصد ظرفیت معدنی کشور است». افزون بر این، موقعیت ژئوپولیتیکی ممتاز، نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده و پشتوانه‌ای از فرهنگ و تاریخ غنی، مزیت‌هایی هستند که می‌توانند هر ملتی را در مسیر پیشرفت قرار دهند، اما پرسش بنیادین این است که چرا با وجود چنین ظرفیت‌هایی، جامعه با مشکلات معیشتی، بیکاری و شکاف‌های طبقاتی گسترده مواجه است؟

پاسخ آقای پزشکیان به این پرسش صریح و صحیح است، به طوری که مشکلات را ناشی از عملکرد نادرست مدیران، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان داخلی می‌داند. بخشی از بدنه مدیریتی کشور طی سال‌های گذشته، به‌جای تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و راهکارهای درون‌زا برای مقابله با مشکلات، ترجیح داده‌اند با فرافکنی، مسئولیت را از دوش خود بردارند و انگشت اتهام را تنها به سمت خارج نشانه روند، در حالی که کشور، حتی تحت فشار محدودیت‌های تحمیلی نیز می‌تواند با اصلاح سازوکارها، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، اصلاح نظام مالیاتی، شفاف‌سازی چرخه گردش ثروت و مقابله مؤثر با فساد، اثرگذاری تحریم‌ها را به حداقل برساند، اما آنچه در عمل شاهد هستیم، حفظ ساختارهای ناکارآمد و اصرار بر تکرار الگوهای شکست‌خورده گذشته است.

از جمله این مشکلات مزمن می‌توان به خصوصی‌سازی‌های غلط، فعالیت بانک‌های خصوصی فاقد نظارت کافی و رهاسازی خدمات عمومی اساسی مانند آموزش و درمان در بازار اشاره کرد. خصوصی‌سازی‌هایی که در دهه‌های گذشته اجرا شد، به بسیاری موارد به جای آنکه به بهره‌وری و عدالت اقتصادی منجر شود، به پدیده «خصلتی‌سازی» انجامید، یعنی منابع ملی به نهادهای با افراد خاص بدون افزایش شفافیت یا پاسخگویی منتقل شد. در همین راستا، بانک‌های خصوصی که می‌توانستند پیشران تولید و اقتصاد باشند، در برخی موارد به بسترهای سوداگری، سفته‌بازی و حتی پولشویی بدل شده‌اند.

کشور ما صاحب چندین معدن بزرگ طلاست، از جمله معدن زرسوران در زم‌ره بزرگ‌ترین معادن طلای غرب آسیا قرار دارد، اما سود حاصل از این منابع کجاست؟ چه سهمی از این ثروت ملی به مردم اختصاص یافته است؟ چرا اطلاعات شفاف‌ی درباره میزان استخراج، فروش و نحوه هزینه‌کرد درآمدهای حاصل از این معادن ارائه نمی‌شود؟ این ابهام‌ها، نتیجه مستقیم عدم‌شفافیت، فقدان نظارت مؤثر و فقدان پاسخگویی مدیران ذی‌ربط است. این وضعیت ثمره سال‌ها سوءمدیریت و نتیجه انتصاب مدیران غیرمتخصص، تصمیم‌گیری‌های شعاری، فساد حلقه‌ای و غلبه نگاه کوتاه‌مدت به بر برنامه‌ریزی توسعه‌ای است. اینها عواملی هستند که به روشنی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت یا این دشمن خارجی را نبخشید.

اما نکته اصلی این است که آقای پزشکیان دیگر در جایگاه مطالبه‌گر یا ناظر نیستند و دوره نمایندگی ایشان نیز در مجلس پایان یافته است، بنابراین امروز، رئیس قوه مجریه کشورمان هستند و بیش از یک سال‌نیز از آغاز دوره مسئولیت ایشان می‌گذرد؛ دقیقاً یک سال‌ودو‌ماه‌و۱۵روز، بنابراین اکنون مردم انتظار دارند ایشان به جای تحلیل و تشریح مسائل، گزارش دهند که طی این مدت چه اقداماتی برای حل مشکلات انجام شده است. دقیقاً باید گزارش دهند برای استفاده از آن «طلا»یی که به زعم ایشان روی آن خوابیده‌ایم، چه کرده‌اند؟

اگر دولت در آمد حاصل از فروش منابع ملی را به ارز خارجی دریافت می‌کند، باید شفاف‌سازی کند که این درآمدها چگونه و در چه مسیری هزینه می‌شود. اگر همچنان بخشی از ارزهای حاصل به چرخه اقتصاد داخلی بازمی‌گردد، این یک ضعف در نظام مدیریتی و سیاستگذاری ارزی کشور است. نمی‌توان با این روند، مدیریت مطلوب و پاسخگو داشت. انتظار عمومی این است که رئیس دولت، مشخص و مستند اعلام کند در طول این مدت، چه گام‌هایی برای بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های داخلی برداشته شده است؟ برای خنثی‌سازی تحریم‌ها چه اقداماتی انجام شده است؟ چه نشانه‌هایی وجود دارد که نشان دهد ناسامانی بازار ارز، بیش از آنکه تحت تأثیر فشار خارجی باشد، ریشه در رانت‌جویی سودجویی ساختاری در داخل دارد و برای مقابله با این وضعیت چه تصمیمات عملی اتخاذ شده است؟

سخن گفتن از ظرفیت‌های بالقوه کشور، بدون ارائه راهکارهای عملیاتی و ملموس، دیگر برای مردم پذیرفتنی نیست. جامعه انتظار دارد دولتی که شعار تحول و اصلاح سر داده بود، اکنون پس از گذشت بیش از یک سال از آغاز کار، در مقام گزارش‌دهی از اقدامات و دستاوردهای خود سخن بگوید، نه تکرار توصیف مشکلاتی که خود نیز اکنون بخشی از مسئولیت حل آن را بر عهده دارد، بنابراین دولت امروز باید نشان دهد از ظرفیت‌ها بهره گرفته، مانع از اتلاف منابع شده و برای کاهش اثر تحریم‌ها، راهکارهایی عملیاتی را پیاده کرده است، در غیر این صورت، سخن گفتن از «طلا» در حالی که مردم با مشکلات معیشتی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، گره‌گشا نخواهد بود و موجب افزایش شکاف اعتماد میان دولت و جامعه می‌شود.

جان کلام آنکه آقای رئیس‌جمهور! اکنون بیش از یک سال از آغاز دوره مسئولیت شما در رأس قوه مجریه گذشته است. در این مدت، مردم بارها از زبان شما دغدغه‌هایی شنیده‌اند که بیش از این نیز بارها گفته شده بود؛ از «خوابیدن روی طلا و گرسنه‌ماندن» تا نقد عملکرد مدیران، مسئولان و سیاستگذاران گذشته، اما امروز، مردم دیگر در انتظار تحلیل، توصیف وضعیت یا بیان کلیات نیستند. جامعه اکنون خواهان گزارش دقیق، مستند و قابل‌ارزیایی از عملکرد دولت است. بیان دغدغه‌ها و اشاره به ریشه‌های ناکارآمدی زمانی ارزشمند است که در کنار آن، برنامه عملی و نتایج ملموس نیز ارائه شود. اینکه رئیس دولت، همچون یک ناظر بیرونی، صرفاً از «وضع موجود» سخن بگوید، مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه این پرسش را پیش می‌کشد که پس جایگاه مسئولیت و اختیار چه می‌شود؟ بنابراین شما دیگر در جایگاه «مطالبه‌گر» نیستید، امروز مسئول هستید و باید پاسخ دهید.



| روزنامه جوان | شماره ۷۴۲۷

اقتصاد

سرویس اقتصادی۹۰۶۸۸۵۲۳

وزیر راه‌وشهرسازی یکی از مدیران زیرمجموعه‌اش را به خاطر رعایت قانون برکنار کرد

دروازه نفس خود را گل بگیرد خانم وزیر!

خانم وزیر بعد از تلاش یک سرباز مأمور برای بازرسی کیفش در فرودگاه اردبیل، با عصبانیت از فرودگاه خارج می‌شود و می‌گوید «در این فرودگاه را گل می‌گیرم»! نکشی همه ما را خانم وزیر! کل کشور را مبادا گل بگیرد با این حب نفس و تکبر! چهار صباح قبل کجا بودید که حالا یکباره دنبال گل گرفتن اید؟! ظرفیت نفس‌تان را بالا ببرید. از نهج‌البلاغه مولا که در دولت بر سر دست است، بیاموزید که اَلْأَمَلُ یَاسَةُ السَّعَةِ الصَّدر



گزارش یک

زینب زهرین

وزیر راه و شهرسازی بار دیگر با برکناری یکی از مدیران زیرمجموعه‌اش به جرم «جرای قانون» به صدر اخبار حاشیه‌ای کشور بازگشته است. طبق پروتکل‌های امنیتی، وسایل همه افراد حاضر در فرودگاه‌های کشور بررسی می‌شود اما گویا خانم وزیر راه، چندان تمایلی به رعایت این مقررات ندارد، چه آنکه وقتی یکی از مأموران فرودگاه اردبیل که بر اساس وظیفه خود برای بازرسی کیف وزیر پرداختام می‌کند، با انتقاد و اکتش او مواجه می‌شود و اجازه بازرسی کیف به وی داده نمی‌شود و خانم وزیر نیز با عصبانیت فرودگاه اردبیل را ترک می‌کند. جالب‌تر آنکه سعاتی بعد حکم عزل و تغییر فوری مدیر کل فرودگاه‌های استان اردبیل صادر می‌شود. برکناری یک مدیر در کشورمان کم‌سابقه نیست، اما وقتی پای یک مقام ارشد دولتی در میان باشد، مسئله ابداً گسترده‌تری پیدا می‌کند، آن هم در شرایطی که موضوع به شدت **پروازی و پروتکل‌های مشخص فرودگاهی** مربوط می‌شود؛ امری که سال‌هاست به درستی رعایت آن برای همه، بدون استثنا، الزامی است. دشمن، حالا از مدیر کل فرودگاه‌ها می‌گیرد که چه چیزی در آن کیف بود که نباید دیده می‌شد؟ چرا چنین اصراری برای عبور غیرقانونی آن وجود داشته و چرا کسی که در تلاش برای بازرسی آن بوده است، باید حذف شود؟

ماجرای فرودگاه اردبیل که در آن وزیر راه‌وشهرسازی از بازرسی حکم همراه خود امتناع و متعاقباً محمد قصابی، مدیر کل فرودگاه‌های این استان را برکنار کرد، بیش از یک تنش ساده فرودگاهی است. این رویداد که در شامگاه چهارشنبه ۲۳مهر ۱۴۰۴ رخ داد، پرده‌از چالش‌های عمیق‌تر در مدیریت وزارت راه‌وشهرسازی برمی‌دارد و نشان می‌دهد وزارتخانه‌ای که با بودج‌ای هنگفت، مسئول اجرای پروژه‌های حیاتی حمل‌ونقل و مسکن است، به ناکجا آباد می‌رود. امتناع وزیر از پروتکل‌های امنیتی و عزل فوری یک مدیر وظیفه‌شناس، نشان‌دهنده رویکردی است که قانون را تابع قدرت می‌داند.

این ماجرا، در کنار الگوی ناپایدار مدیریتی مالواجرد و سوابق حاشیه‌ساز او، از جمله سفر پر هزینه به کیش و جابه‌جایی‌های گسترده مدیران،

تومان هزینه مستقیم و غیرمستقیم به بار می‌آورد؛ از آموزش مدیران جدید تا تأخیر در پروژه‌ها. این بی‌ثباتی در حالی رخ می‌دهد که وزارتخانه باید بر مسائل کلیدی مانند تأمین مسکن، تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل و کاهش هزینه‌های عمومی تمرکز کند. مسئولان استانی، قصد بازگشت به تهران از طریق فرودگاه اردبیل را داشتند. در جریان مراحل سوارشدن به هواپیما، مأمور بازرسی طبق پروتکل‌های استاندارد امنیتی، درخواست بررسی کیف همراه وزیر را مطرح کرد. این رویه که بر اساس ماده‌قانون گذرنامه بر عهده نیروی انتظامی است، برای همه مسافران از جمله مقامات ارامی است. طبق بند ۳ ماده ۲۹ کنوانسیون وین(۱۹۶۱)، مصونیت دیپلماتیک مقامات پس از بازگشت به خاک کشور پایان می‌یابد و آنها مانند شهروندان عادی مشمول قوانین داخلی هستند، با این حال، مالواجرد از بازرسی امتناع و با حذنی تند تهدید به تعطیلی فرودگاه کرد و بدون سوار شدن به پرواز، مسیر زمینی به تهران را در پیش گرفت. ساعاتی بعد، حکم عزل محمد قصابی صادر و داود رضی‌زاد به عنوان سرپرست منصوب شد. یک شاهد عینی به فارس گفته «خانم وزیر با تندی گفت من در این فرودگاه را گل می‌گیرم»! شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی نیز در اقدامی عجیب این تغییر را «طبیعی و براساس ارزیابی‌های مدیریتی» خواند. اما تلاش برای نسبت دادن ماجرا به «حاشیه‌سازی رسانه‌های معاند»، بیش از شفاف‌سازی، به نظر پوششی برای فرار از پاسخگویی است.

■ **حاشیه سفر به کیش**

یکی از جنجالی‌ترین حاشیه‌های وزیر کابینه می‌دانند. نتیجه این رویکرد، فرسایش اعتماد درون سازمانی و سردرگمی بدنه کارشناسی است که از اجرای پروژه‌های ملی بازمی‌ماند. این بی‌ثباتی عامل تأخیر در پروژه‌هایی مانند قطار سریع‌السیر تهران-مشهد و گردیدور شمال- جنوب است.
■ **حاشیه سفر به کیش**
یکی از جنجالی‌ترین حاشیه‌های وزیر کابینه می‌دانند. نتیجه این رویکرد، فرسایش اعتماد درون سازمانی و سردرگمی بدنه کارشناسی است که از اجرای پروژه‌های ملی بازمی‌ماند. این بی‌ثباتی عامل تأخیر در پروژه‌هایی مانند قطار سریع‌السیر تهران-مشهد و گردیدور شمال- جنوب است.

■ **حاشیه سندروم پست بی‌قرار**

این رویداد، تنها نمونه‌ای از الگوی ناپایدار مدیریتی فرزانه مالواجرد است که کارشناسان آن را «سندروم پست بی‌قرار» می‌نامند.

از زمان انتصاب او در مرداد ۱۴۰۳، وزارت راه‌وشهرسازی شاهد موجی از تغییرات بی‌دربی بوده است؛ در کمتر از یک سال، معاونت پارلمانی این وزارتخانه چهار بار تغییر کرده است. به موازات آن، مدیریت روابط عمومی نیز چهار بار جابه‌جا شد که این چرخش‌ها به بی‌ثباتی اداری و کاهش بهره‌وری منجر شده است.

گزارش مراکز پژوهشی مجلس نشان می‌دهد هر تغییر مدیریتی غیرضروری، حدود ۵۰۰ میلیون

توانیر با ارسال جوابیه‌ای به «جوان»

نرخ برق مشترکین تجاری کوچک هزار تا هزارو ۳۰۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت است

کسب‌وکارهای کوچک قرار دارند که نرخ برق برای آنها به‌طور میانگین به شرح زیر است:
نرخ برق برای مشترکین تجاری بر اساس تعرفه‌ای است که به‌طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود: نرخ تأمین برق و نرخ سوخت.
برای مشترکین کوچک، نرخ تأمین برق تقریباً معادل ۹۵۰ تا هزار تومان به ازای هر کیلووات ساعت است. این نرخ در قالب چند پله تعیین شده، ولی تفاوت‌ها در هر پله به شدت بالا نیست و تغییرات به‌طور میانگین ۱۰ درصد است.
نرخ سوخت نیز مربوط به هزینه‌ای است که از شرکت‌های وابسته به نفت دریافت می‌شود. شرکت توانیر به منظور آگاهی می‌شود تا فرایند تبدیل انرژی و انتقال برق صورت گیرد.
در مجموع برای مشترکین تجاری کوچک، هزینه تأمین برق به‌علاوه هزینه سوخت، هزینه انتقال و توزیع و سایر هزینه‌ها به‌طور میانگین حدود هزار تا هزارو ۳۰۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت می‌رسد. علاوه بر این، ۱۰ درصد هزینه بابت عوارض برق که صرف توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و شبکه‌های روستایی می‌شود) و مالیات بر ارزش افزوده زمینه هزینه‌های انرژی پیش نیاید.

گزارش

هادی اسماعیلی

گفت‌وگوی «جوان» با ارسلان محمدی کارشناس اقتصادی

مبلغ وام اشتغال اضافه

ولی زمان بازپرداخت کم‌شد!

مبلغ وام اشتغال برای سال ۱۴۰۴، ۵۰۰میلیون تومان افزایش یافته ولی مهلت بازپرداخت آن ۸۴ به ۶۰ماه کاهش پیدا کرده است که به کاهش سود سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال نهادهای واسطه‌ای منجر خواهد شد. با یاد بانک مرکزی در زمینه وام اشتغال رویکردی فعالانه داشته باشد و بر شبکه بانکی در زمینه پرداخت وام به مددجویان نظارت کند و همچنین باید مدت زمان بازپرداخت وام اشتغال نیز به ۸۴ماه بازگردد.

مبلغ وام اشتغال در هفت ماهه نخست سال صفر بوده است. دلیل این مسئله نیز عملکرد غلط بانک مرکزی و دولت در زمینه ابلاغ سهمیه‌های هر نهاد واسطه‌ای حمایتی و همچنین هر بانک‌بوده است که سهمیه نهادی وام اشتغال در روزهای پایانی شهریور و بالاخره سهمیه هر بانک نیز در ۲۴مهر ماه ۱۴۰۴ ابلاغ شد.

مبلغ وام اشتغال برای سال ۱۴۰۴، ۵۰۰میلیون تومان افزایش یافته ولی مهلت بازپرداخت آن ۸۴ به ۶۰ماه کاهش پیدا کرده است. این مسئله علاوه بر اینکه موجب کاهش زمان بازپرداخت وام اشتغال شده است بلکه با افزایش مبلغ بازپرداخت مددجویان، به کاهش سود سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال نهادهای واسطه‌ای منجر خواهد شد. در کنار این موضوع، تنها ابلاغ مبلغ وام اشتغال از سوی بانک مرکزی به شبکه بانکی کافی نیست و باید بانک مرکزی اعتبارات لازم برای شبکه بانکی را در اختیار شبکه بانکی قرار دهد و نظارت دقیقی در زمینه تسریع در پرداخت وام اشتغال داشته باشد تا این هفت ماه تأخیر در پرداخت وام اشتغال چیران شود، و گر نه با توجه به این تأخیر فراوان از سوی بانک مرکزی، عملاً در صورت عدم تخصیص اعتبارات و نظارت ویژه بر عملکرد شبکه بانکی حتی بخش کوچکی از تعهدات وام اشتغال قانون بودجه ۱۴۰۴ که ۱۰۰ هزارمیلیارد تومان برای آن در نظر گرفتند، محقق نخواهد شد و صف مددجویان در انتظار وام اشتغال طولانی‌تر از گذشته خواهد شد.

برخی مددجویان بیش از دو سال است در صف دریافت اشتغال هستند ولی با اهمال کاری بانک مرکزی در تخصیص اعتبارات و عملکرد بد شبکه بانکی، هر روز این صف طولانی‌تر می‌شود و اقشار محروم جامعه ناامیدتر می‌شوند. این وضعیت در حالی است که بخش اعظمی از وام‌ها با نرخ سود ترجیحی از سوی شبکه بانکی به زیرمجموعه‌های خود پرداخت می‌شود و بانک مرکزی نیز در اصلاح این وضعیت هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور تا پایان شهریور ۱۴۰۴ بیش از ۵۰۰هزارمیلیارد تومان تسهیلات به اشخاص و شرکت‌های وابسته به خود پرداخت کرده‌اند، این یعنی بخش بزرگی از منابع سیستم بانکی به جای حمایت از مردم و تولید، در شبکه‌های درون گروهی بانک‌ها متمرکز شده است. برخی تخمین‌ها با در نظر گرفتن آمار ناقص بانک پاسارگاد و دیگر بانک‌ها، حاکی است مجموع وام‌دهی به خودی‌ها به بیش از ۹۰۰مخت می‌رسد؛ رقمی که ضعف نظارت بانک مرکزی و تقاضای منافع در نظام بانکی را آشکار می‌کند. ارسلان محمدی، کارشناس اقتصادی، رابطه با وضعیت نامناسب فعلی وام اشتغال بر تبت با قانون بودجه ۱۴۰۴ به «جوان» گفت: متأسفانه وضعیت پرداخت وام اشتغال بسیار بد است و برخی مناطق، مددجویان کمیته امداد و بهزیستی بیش از چند سال است در انتظار دریافت وام هستند که تسهیلات به دلیل نبود اعتبار بانکی، امکان آغاز فعالیت اقتصادی ندارند. این تأخیرها، آثار اجتماعی و روانی عمیقی بر جامعه هدف دارد. خانواده‌هایی که با امید به وعده‌های دولت و نهادهای حمایتی چشم‌انتظار دریافت تسهیلات بوده‌اند، امروز احساس می‌کنند مورد بی‌وفایی قرار گرفته‌اند. کارشناس اقتصادی می‌گوید: «وضعیت بین فرت‌های اقتصادی در مناطق محروم می‌شود.

وی ادامه داد: یکی از مأموریت‌های کلیدی دولت در تحقق عدالت اجتماعی، فقرزدایی و ایجاد اشتغال پایدار، تخصیص تسهیلات اشتغال از محل منابع است. این کارشناس اقتصادا اشاره به توقف کامل پرداخت وام اشتغال» به مددجویان نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی دولت برای توانمندسازی اقشار محروم به شمار می‌آید، با این حال در سال ۱۴۰۴، با وجود کتله حدود ۱۰۰۰ هزارمیلیارد تومان اعتبار برای این حوزه در قانون بودجه در نظر گرفته شده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد این طرح در هفت ماهه نخست سال صفر بوده است، یعنی تا پایان مهرماه حتی یک مورد پرداخت مؤثر وام اشتغال از مسیر رسمی به مرحله اجرا نرسیده است. این کارشناس اقتصادی با اشاره به توقف کامل پرداخت وام اشتغال در هفت ماه نخست سال گفت: در واقع، بانک‌ها تا زمان ابلاغ سهمیه رسمی از سوی بانک مرکزی نمی‌توانند پرداخت تسهیلات اشتغال را آغاز کنند، بنابراین حتی اگر از آبان‌ماه نیز پرداخت‌ها آغاز شود، زمان مؤثر اجرای وام اشتغال به کمتر از پنج ماه کاهش می‌یابد. این مسئله نشان می‌دهد سیاستگذار پولی و نهاد ناظر بانکی، در ک دقیقی از حساسیت زمان و بر پروژه‌های اشتغال‌زایی ندارند و فرایند تصمیم‌گیری همچنان گرفتار بوروکراسی و تأخیرهای ساختاری است.

وی در پایان گفت: بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر شبکه بانکی، باید نه تنها در تخصیص منابع، بلکه در نظارت بر روند پرداخت تسهیلات اشتغال نقش فعال‌تری ایفا کند. در حال حاضر، مکانیسمی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها در زمینه پرداخت تسهیلات حمایتی وجود ندارد و این مسئله شخصیتی بود، چرا به جای توضیح، به تهدید و منجر عمل شد؛ عدم پاسخگویی، می‌تواند شائبه چپان‌کاری یا سوءاستفاده از قدرت را تقویت کند. سکوت در برابر این پرسش، حاشیه‌های سیاسی بازسازی شفافیت در دیوان محاسبات این اقدام را مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی دانست که هزینه‌های عمومی را تابع نظارت شفافیت در این مجرای برای حفظ اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی حیاتی است.
انگشت تند مالواجرد از امتناع از این رویه معمول، واکتش در مالواجرد از امتناع و با این رویه معمول، بررسی دقیق، محتویات کیف و دلایل امتناع وزیر را مشخص کنند. اگر کیف حاوی اسناد محرمانه بود، چرا خارج از مجاری قانونی حمل می‌شد؟ و اگر مسئله شخصیتی بود، چرا به جای توضیح، به تهدید و منجر عمل شد؟ عدم پاسخگویی، می‌تواند شائبه چپان‌کاری یا سوءاستفاده از قدرت را تقویت کند. سکوت در برابر این پرسش، حاشیه‌های سیاسی بازسازی شفافیت در دیوان محاسبات این اقدام را مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی دانست که هزینه‌های عمومی را تابع نظارت شفافیت در این مجرای برای حفظ اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی حیاتی است.
انگشت تند مالواجرد از امتناع و با این رویه معمول، واکتش در مالواجرد از امتناع و با این رویه معمول، بررسی دقیق، محتویات کیف و دلایل امتناع وزیر را مشخص کنند. اگر کیف حاوی اسناد محرمانه بود، چرا خارج از مجاری قانونی حمل می‌شد؟ و اگر مسئله شخصیتی بود، چرا به جای توضیح، به تهدید و منجر عمل شد؟ عدم پاسخگویی، می‌تواند شائبه چپان‌کاری یا سوءاستفاده از قدرت را تقویت کند. سکوت در برابر این پرسش، حاشیه‌های سیاسی بازسازی شفافیت در دیوان محاسبات این اقدام را مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی دانست که هزینه‌های عمومی را تابع نظارت شفافیت در این مجرای برای حفظ اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی حیاتی است.
انگشت تند مالواجرد از امتناع و با این رویه معمول، واکتش در مالواجرد از امتناع و با این رویه معمول، بررسی دقیق، محتویات کیف و دلایل امتناع وزیر را مشخص کنند. اگر کیف حاوی اسناد محرمانه بود، چرا خارج از مجاری قانونی حمل می‌شد؟ و اگر مسئله شخصیتی بود، چرا به جای توضیح، به تهدید و منجر عمل شد؟ عدم پاسخگویی، می‌تواند شائبه چپان‌کاری یا سوءاستفاده از قدرت را تقویت کند. سکوت در برابر این پرسش، حاشیه‌های سیاسی بازسازی شفافیت در دیوان محاسبات این اقدام را مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی دانست که هزینه‌های عمومی را تابع نظارت شفافیت در این مجرای برای حفظ اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی حیاتی است.

نرخ برق مشترکین تجاری کوچک هزار تا هزارو ۳۰۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت است